

## إضاءات من دعوة عيسى ع

### روشنگری‌هایی از دعوت عیسی ع

الحقیقة أن دعوة عیسی ع هي من أعتد وأصعب أنواع الدعوة إلى الله سبحانه، وذلك لأنها كانت في مجتمع المفروض أنه مجتمع إيمان لم تتلوث عقائده بشرك وثني بئین، كما أن عیسی ع كانت علیه مواجهة علماء وأحبار بني إسرائيل المتمرسين بالكلام والجدل في العقائد وغيرها من الأمور الدينية، ولهذا امتازت دعوة عیسی بأمور، منها:

حقیقت این است که دعوت عیسی ع از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین انواع دعوت‌ها به سوی خداوند سبحان می‌باشد؛ چرا که دعوت ایشان ع در جامعه‌ای صورت پذیرفت که جامعه‌ای ایمانی محسوب می‌شد و عقاید آنان به شرک و بت پرستی آشکار آلوده نشده بود؛ بنابراین عیسی ع باید با علما و احبار بنی‌اسرائیل مواجه می‌شد؛ کسانی که در سخن و جدل در عقاید و سایر مسایل دینی، تبخّر داشتند. از همین رو دعوت عیسی در مواردی (با دعوت‌های پیشین) متمایز می‌باشد، از جمله:

#### ۱- الزهد في الدنيا:

وكان أبرز مصداق لهذا الزهد هو عیسی ع وحواریه الاثنا عشر، وكان هذا الزهد الذي بالغ عیسی ع في إظهاره إلى الناس، علاجاً لحالة الترف المستشرية في علماء بني إسرائيل، الذين أنسوا الحياة تحت سلطة الكفار الرومان، وأمسوا كالحیوانات في المعالف لا يهمهم إلا التقمم والاكتراش.

#### ۱- زهد در دنیا:

بارزترین مصداق این زهد، خود عیسی ع و حواریون دوازده‌گانه‌اش می‌باشند. این زهدی که عیسی ع در آشکار کردن آن برای مردم مبالغه می‌کرد، درمانی برای رفاه طلبی بود که بین علمای بنی اسرائیل فراگیر شده بود؛ همان‌هایی که با زندگی زیر سلطه‌ی کافران رومی انس گرفته بودند، و خوی و خصلت حیواناتِ

در آخور را که فقط شکم‌چرانی و خورد و خوراک برایشان مهم است، پیدا کرده بودند.

وبهذا أظهر عيسى ع وحواريوه لبني إسرائيل واليهود بل وللناس جميعاً ما يجب أن يكون عليه حال العالم الرباني العامل المخلص لله من الإعراض عن الدنيا، والإقبال على الآخرة، وخصوصاً في المجتمعات الإنسانية التي أنهكها تسلط الطاغوتي، ولم يبقَ فيها للفقراء رغيف يقتاتون به بكرامة، كما ولم يبقَ لهم منهج فكري سليم يستضيئون به، بعد أن أغرقهم في الفساد الأخلاقي والاجتماعي.

به همین دلیل عیسی ع و حواریون او برای بنی اسرائیل و یهود، و حتی برای همه‌ی مردم، وضعیتی را که باید عالم ربّانی عاملِ مخلص برای خداوند داشته باشد، آشکار نمودند؛ از جمله روی‌گردانی از دنیا و رو کردن به آخرت؛ مخصوصاً در جامعه‌های انسانی که تسلط طاغوت، آنان را سست کرده و برای فقرا حتی لقمه نانی نمانده بود که با کرامت از آن استفاده کنند. همان طور که پس از غرق شدن در فساد اخلاقی و اجتماعی، برایشان راه و روش فکری سالمی باقی نمانده بود نبود که از آن بهره‌مند گردند.

ومن هنا كان زهد عيسى وحواريه فضيحة أخزت علماء بني إسرائيل وأظهرت للناس الصراط المستقيم والمنهج القويم، الذي يجب أن يسلكه العالم الرباني والقائد الإلهي، ليكون نوراً يستضيء به الناس ويقتدون به، ومخلصاً لهم من سلطة الطاغوت، وقائداً إلى الله الواحد القهار.

از همین رو زهد عیسی و حواریون ایشان، مایه‌ی رسوا و مُفتضح شدن علمای بنی اسرائیل بود و برای مردم، راه مستقیم و روش استوار را آشکار نمود؛ راهی که باید عالم ربّانی و رهبر الهی ببیماید، تا نوری بشود که مردم از او بهره گیرند، به او اقتدا نمایند و راه‌هایی آنها از سلطه‌ی طاغوت و رهبری به سوی خداوند یگانه‌ی قهار بشود.

## ۲- الإخلاص في عبادة الله سبحانه:

اليهود لم يكونوا يعبدون الأصنام عندما بُعث عيسى، ولكنهم كانوا يدفعون الجزية لقيصر، وكانوا يتابعون علماءهم في كل ما يشرعون لهم،

ويقلدونهم تقليداً أعمى، ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ  
وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهاً وَاحِداً لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (التوبة: ٣١).

## ۲- اخلاص در عبادت خداوند سبحان

یهودیان در زمان بعثت عیسی بت‌ها را نمی‌پرستیدند، ولی به قیصر مالیات می‌پرداختند و در همه‌ی مسایلی که علما برایشان تشریح می‌کردند، از آنان دنباله‌روی و کورکورانه تقلید می‌کردند: «(أحبار و راهبان خویش و مسیح پسر مریم را به جای الله به خدایی گرفتند و حال آنکه مأمور بودند که تنها یک خدا را بپرستند، که هیچ خدایی جز او نیست، منزّه است از آنچه شریکش می‌دارند)».

وهذه الأعمال هي شرك بالله سبحانه وتعالى، فهم لم يكتفوا بترك الجهاد ورفض تواجد قوات الرومان الكافرة على الأرض المقدسة، أرض الموحدين، بل عملوا على تقوية دولة المحتل والطاغوت وتثبيت سلطانه بدفع الجزية لقيصر الروم، ليمسوا بهذا العمل عبدة طاغوت لا موحدين يعبدون الله، وإن ادعوا ذلك، ثم إنهم تابعوا علماءهم عندما خالفوا شريعة الأنبياء والأوصياء، وهذا العمل عبادة للعلماء الضالين من دون الله سبحانه، لأن العلماء الضالين يضعون رأيهم مقابل تشريع الله سبحانه، ويطالبون الناس باتباعهم، ويوهمون الناس أن طاعتهم هي طاعة الله، بينما في مثل هذه الحالة تكون طاعتهم طاعة للشيطان لعنه الله وأخزاه.

این کارها شرک به خداوند سبحان و متعال محسوب می‌شود. آن‌ها نه تنها جهاد را ترک گفته بودند و حضور نیروهای رومی کافر را در سرزمین مقدس یعنی سرزمین یکتاپرستان پذیرفته بودند، بلکه دولت اشغال‌گر و طاغوت را با پرداخت مالیات به قیصر روم تقویت و حکومتش را تثبیت می‌کردند و با این کارشان بندگان طاغوت شدند و نه یکتاپرستانی که خداوند را می‌پرستند؛ هر چند مدعی چنین چیزی بودند! آنان از علمایشان هنگامی که با شریعت پیامبران و اوصیا مخالفت می‌کردند، پیروی نمودند و این عمل، پرستش علمای گمراه به جای خداوند سبحان محسوب می‌شود؛ چرا که علمای گمراه، رأی و نظرشان را در برابر تشریح خداوند سبحان قرار می‌دادند و از مردم می‌خواستند که پیرویشان کنند و چنین گمانی را برای مردم به وجود می‌آوردند که اطاعت از

آنها، اطاعت از خداوند می‌باشد؛ در حالی که در چنین وضعیتی، اطاعت از آنان همان اطاعت از شیطان که خداوند لعنت و خوارش کند، می‌باشد.

**ولهذا انبرى عيسى ع يعلم الناس ويبين لهم هذه الحقائق الإلهية  
ويدعوهم للإخلاص في عبادة الله سبحانه وتعالى مرة، وللکفر بالطاغوت  
ومحاربتة وهدم أركان دولته الاقتصادية والعسكرية والإعلامية مرة  
أخرى.**

به همین دلیل عیسی ع به مخالفت برخاست و به مردم آگاهی می‌داد و حقایق الهی را برایشان روشن می‌ساخت. او از یک سو، آنان را به اخلاص در پرستش خداوند سبحان و متعال دعوت می‌کرد و از سوی دیگر، به کُفر به طاغوت و پیکار با آن و مُنهدم کردن ستون‌های دولت اقتصادی، لشکری و تبلیغاتی او دعوت می‌نمود.

**يدعو عيسى ع الناس للتمرد على علماء بني إسرائيل، الذين نصبوا  
أنفسهم للتشريع مقابل الله سبحانه وتعالى، ودعوا الناس لطاعتهم  
واقْتفاء آثارهم، فأضلوا الناس بعد أن كانوا هم أنفسهم ضالين، حيث  
جعلوا أنفسهم أرباباً تعبد من دون الله سبحانه وتعالى.**

عیسی ع مردم را به سرپیچی از علمای بنی اسرائیل دعوت می‌کرد؛ کسانی که خود را در تشریع و قانون‌گذاری در برابر خداوند سبحان و متعال قرار می‌دادند و مردم را به اطاعت از خود و عمل کردن به مانند خودشان دعوت می‌کردند. بنابراین پس از اینکه خود گمراه شدند، مردم را نیز به گمراهی کشیدند؛ از این جهت که خودشان را اربابانی قرار دادند که به جای خداوند سبحان و متعال پرستیده می‌شدند.

### **۳- العدل والرحمة:**

**بدون عدل ورحمة تمسي الحياة مظلمة ليس فيها إلا الحيف والجور  
والقسوة والألم، والطاغوت بلا عدل ولا رحمة، فبالجور والغلظة  
والقسوة يبقى فرعون ونمرود وقيصر وأمثالهم على كرسي الحكم،  
ويسيطرون على دفة القيادة الشيطانية، ليقودوا أتباعهم ومن سار في**

ركبهم إلى هاوية جهنم، ومن يتوقع من طاغية شيئاً من الرحمة والعدل،  
يكون كمن يريد أن يشم من جيفة أو نجاسة ريحاً طيبة.

### ۳- عدل و رحمت:

بدون عدل و مهربانی، زندگی تاریک می‌شود به طوری که فقط در آن، ستم، جور، سنگدلی و درد وجود خواهد داشت. طاغوت هیچ عدالت و شفقتی ندارد. فرعون و نمرود و قیصر و امثال آنها با ستم، تندی و سنگدلی بر تخت حکمرانی باقی می‌مانند و بر سکان رهبری شیطانی سیطره پیدا می‌کنند، تا پیروانشان و کسانی که در رکابشان هستند را به آتش جهنم رهسپار سازند. کسی که از طاغوت گوشه‌ای از مهربانی و عدالت را انتظار دارد، مانند فردی است که می‌خواهد از نجاست یا مرداری مُتَعَفَن، بوی پاکی به مشامش برسد!

ولهذا كان السلاح القوي بيد الأنبياء (عليهم السلام) هو العدل والرحمة،  
وهكذا انطلق عيسى ع ينشر ويدعو للعدل والرحمة في المجتمع، العدل  
الذي ضيعه علماء بني إسرائيل، عندما استأثروا بأموال الصدقات وأخذوا  
يشرعون وفق أهوائهم وتخرصاتهم العقلية الخرقاء، والرحمة التي لم  
يعرفها الناس في ظل الطاغوت.

از همین رو سلاح نیرومندی که در دستان پیامبران (علیهم السلام) می‌باشد، عدالت و مهربانی است. اینچنین بود که عیسی ع شروع به انتشار دادن عدالت و مهربانی در جامعه و دعوت کردن به سوی آن، نمود؛ عدالتی که علمای بنی اسرائیل هنگامی که به اموال صدقات دست پیدا کردند و بر اساس آرا و گمان‌های عقلی نخنمای خود شروع به تشریح و قانون‌گذاری کردند آن را از بین برده بودند، و رحمتی که مردم در زیر سایه‌ی طاغوت، هیچ شناختی از آن نداشتند.

يدعو عيسى ع الناس للتمرد على علماء بني إسرائيل، الذين نصبوا  
أنفسهم للتشريع مقابل الله سبحانه وتعالى، ودعوا الناس لطاعتهم  
واقْتفاء آثارهم، فأضلوا الناس بعد أن كانوا هم أنفسهم ضالين، حيث  
جعلوا أنفسهم أرباباً تعبد من دون الله سبحانه وتعالى.

عیسی ع مردم را به سرپیچی از علمای بنی اسرائیل دعوت می‌کرد؛ کسانی که خود را در تشریح و قانون‌گذاری در برابر خداوند سبحان و متعال قرار می‌دادند و مردم را به اطاعت از خود و عمل کردن به مانند خودشان دعوت می‌کردند.

بنابراین پس از اینکه خود گمراه شدند، مردم را نیز به گمراهی کشیدند؛ از این جهت که خودشان را اربابانی قرار دادند که به جای خداوند سبحان و متعال پرستیده می‌شدند.

**وشملت رحمة عيسى ع حتى جباة الضرائب الذين يعملون لقيصر**

**بشكل مباشر، فحاول استنقاذهم وتخليصهم من النهاية السوداء المظلمة التي تنتظرهم إذا استمروا يسيرون في ركب قيصر.**

لطف و رحمت عیسی ع حتی شامل مالیات گیرندگان می‌شد که به صورت مستقیم برای قیصر کار می‌کردند. او کوشید آنان را از فرجام سیاه تاریکی که در صورت باقی ماندن و بودن در لشکر قیصر، در انتظارشان بود، رهایی بخشد و نجاتشان دهد.